

درباره کوچه تاریخی یغما که روزگاری از کنار برج و باروی شهر می‌گذشت

کوچه‌ای در حاشیه باغ‌های به یغما رفته



بقایای یکی از آب‌انبارهای کوچه یغما



خانه قدیمی رهاشده در میانه کوچه



حسینیة عرب دسته دلخون محله خیابان تبریز

رضا سلیمان نوری| تغییرات رخ داده در سده اخیر در مشهد، باعث تغییر وضعیت بسیاری از مسیرهای کهن درون شهری بافت قدیم شده است. برخی از این مسیرها چون راه‌های پشت باروی شهر دیر زمانی کارکرد نقل‌وانتقال تجهیزات نظامی یا مواد غذایی مورد احتیاج نگهبانان شهر را داشتند و تنها در موارد اضطراری مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گرفتند اما با حذف برج‌وباروی مشهد(دیوار محافظ شهر) به ناگاه بخشی از بدنه آن شدند. برخی از این کوچه‌ها چون دکتر شخیخ یا پشت پیره سراب در دوره‌ای مانند یک مسیر شریانی عمده شهر عمل می‌کردند. کوچه یغما یا عبادی ۱۲ که بخشی از مسیر پشت‌باره بالاخیابان محسوب می‌شود نیز چنین وضعیتی داشته است. این کوچه که اکنون به‌عنوان یکی از مسیرهای پشتیبانی ترافیکی شهر استفاده می‌شود، روزگاری یکی از مسیرهای قرار گرفته در حاشیه سرسبز شهر، یعنی باغات بالاخیابان بوده است.

- از یغما تا رضوی ۱۳

کوچه یغما، روزگاری طولانی بخشی از مسیر پشت‌باره بالاخیابان بوده است. همین امر سبب شده تا سال‌های زیادی به مانند چند کوچه دیگر این محدوده با نام عمومی «کوچه پشت‌پیره بالاخیابون» یا همان «پشت بارو» شناخته شود اما نخستین نام رسمی که برای این مسیر از سوی شهرداری مشهد تعیین شده کوچه «یغما» است که ظاهرا به دلیل سکونت یکی مدیران وقت شهری مشهد که نام خانوادگی‌اش یغمایی بوده، به این نام خوانده می‌شده است.

بعدها در کنار این نام، عنوان «خواجه‌ربیع ۱۲» هم بر تابلو ورودی کوچه حک شد تا مشخص شود این کوچه ششمین فرعی (از سمت غربی) در خیابان خواجه ربیع است. با وقوع جنگ تحمیلی و شهادت تعدادی از جوانان این مرز و بوم، نام یکی از این جوانان (شهید حسین خاتونی‌خادر) به جای کلمه یغما بر تابلو ورودی کوچه نشست.

این نام که در برخی نقشه‌های شهری وقت به اشتباه خاتونی‌خاور نیز ثبت شده تا اواسط دهه ۹۰ معرف کوچه مورد نظر بود ولی با مهاجرت خانواده خاتونی از این کوچه، شهرداری این نام را به «ناصر نعمتی» یکی دیگر از شهیدان ساکن کوچه، تغییر داد.

اندکی بعد هم با تغییر اسم بخش نخست خیابان خواجه ربیع از سوی شورای وقت شهر به نام امام جمعه مرحوم آیت... عبادی، عنوان عبادی ۱۲ در کنار نام شهید ناصر نعمتی بر تابلو ابتدای کوچه ثبت شد. شهرداری در تابلو معرفی این مسیر از طرف کوچه رضوی‌ها علاوه بر نام شهید ناصر نعمتی عنوان «رضوی‌های ۱۲» را هم حک کرده است.

- مسیری با ۱۳چ دیده‌بانی در دوره قاجار

مسیر پشت‌باره بالاخیابان که کوچه مورد نظر این نوشتار هم بخشی از آن است، در دوران شاه‌طهماسبی برای اتصال دو دروازه نوغان و بالاخیابان ایجاد شده بود. براین اساس قدمت کوچه یغما به آن دوران، یعنی حدود ۲۵۰ سال پیش بازمی‌گردد اما متأسفانه هیچ سند مکتوبی برای روشن شدن وضعیت کوچه از آن

دوران وجود ندارد. با این همه در نقشه سال ۱۲۴۸ خورشیدی(نقشه‌المالج) محدوده این کوچه مشخص شده است؛ برابر این سند، کوچه یغمای بخشی از محدوده شمالی باره دور شهر مشهد است که تقریباً بر خلاف سایر بخش‌های باره، دارای شکستگی نیست. همچنین براساس نقشه موجود در محدوده کنونی این کوچه سه برج دیده‌بانی محافظ شهر به ترتیب در ابتدای کوچه از سمت خیابان عبادی، محدوده مجاور شهید نعمتی یک و انتهای آن، یعنی تقاطع کوچه و کوچه رضوی‌ها قرار داشته است.

در هر دو محل ابتدا و انتهای این بخش از باره شهر در آن زمان به مانند وضعیت کنونی کوچه در مسیر انحراف کوچکی وجود داشته اما تمام این مسیر خطی مستقیم از شرق به غرب شهر بوده است. بر پایه همین سند بخش مهم حاشیه جنوبی کوچه را باغ‌های دارای درختان قدیمی بالاخیابان به خود اختصاص داده بودند اما در بخش پایانی کوچه مقداری باغ انگوری هم وجود داشته است. علاوه بر این، تمام بخش شمالی کوچه را دیواره محافظ شهر به خود اختصاص داده و در نتیجه این کوچه در میانه عهد حکومت قاجارها بر ایران به غیر از زارعان و باغ‌داران ساکن باغ‌های بخش جنوبی، ساکن دیگری نداشته است.

وضعیت این مسیر هنگام ترسیم نقشه مشهد توسط هرتسفیلد یعنی سال ۱۲۹۲ هم تغییر چندانی نسبت به ۵۵سال قبل از آن نکرده و تنها با این توضیح که در این نقشه، باغ‌های بزرگ شهر مشخص شده می‌توان مدعی شد که در این دوره زمانی، باغات بزرگ حاشیه جنوبی کوچه به باغ‌های کوچک‌تری تبدیل شده است. همچنین وضعیت دیواره شمالی تغییر نکرده و تنها باروی محافظ شهر در این بخش قرار داشته است.

- مسیری که از کنار باغ هشت‌آباد می‌گذشت

تغییر سریع رخ داده در کالبد شهر در دو دهه نخست قرن چهارده خورشیدی (دوران پهلوی) تأثیر زیادی بر بافت این بخش از مسیر پشت باروی شهر داشته است. همچنین براساس نقشه سال ۱۳۱۰ خورشیدی، در

آن سال که هنوز برج‌وباروی این بخش مشهد وجود داشته، مهم‌ترین تغییر کوچه یغما ایجاد یک فرعی (در سمت جنوبی کوچه) است؛ این فرعی از کنار باغ هشت‌آباد عبور کرده و به کوچه هشت‌آباد منتهی می‌شد. وضعیت این کوچه در سال ۱۳۲۵ هم تغییر چندانی نسبت به سال ۱۳۱۰ پیدا نکرده و تنها تعدادی از باغ‌های حاشیه جنوبی کوچه به منزل مسکونی تبدیل شده بودند اما حاشیه شمالی آن، همچنان به بقایای باروی دور شهر اختصاص داشت و بنای مسکونی در آن ایجاد نشده بود. این وضعیت البته به سرعت تغییر می‌کند به نحوی که در نقشه سال ۱۳۳۲ –که بعد از ایجاد خیابان شاه عباس (کاشانی امروز) ترسیم شده، بخش شمالی کوچه دارای یک فرعی متصل به خیابان کاشانی است. همچنین در بافت این بخش کوچه، دیگر خیری از بقایای برج‌وباروی شهر نیست و تعدادی پلاک مسکونی بزرگ‌مقیاس ساخته شده بود که اغلب به وابستگان مدیران شهری وقت اختصاص داشت.

- کوچه‌ای بدون حضور ساکنان بومی

وضعیت کوچه یغما در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی تفاوت چندانی با پیش از آن ندارد اما با پایان جنگ تحمیلی و گسترش شهر به سمت غرب، شرایط این کوچه هم به مرور زمان تغییر کرد و اغلب ساکنان قدیمی آن به نقاط دیگر شهر مهاجرت کردند. پس از این دوران بود که کوچه یغما با توجه به نزدیکی به حرم مطهر رضوی، میدان شهدا و پایین بودن قیمت زمین در آن، مورد توجه غیرمشهدی‌ها قرار گرفت و به سرعت پلاک‌های مسکونی ویلایی آن تخریب و به آپارتمان تبدیل شدند. این روند تغییر وضعیت هنوز هم ادامه دارد تا جایی که اکنون در دیواره جنوبی کوچه (فادصل خیابان عبادی تا ابتدای شهید نعمتی ۲) تنها یک پلاک قدیمی مسکونی قابل شناسایی است. همچنین در ادامه این مسیر، بیشتر پلاک‌ها یا نوسازی کامل شده یا با بازسازی تغییرات مهمی در آن‌ها ایجاد شده تا قابل استفاده برای چند خانوار باشند.

کوچه گردی

تاریخ و هویت



درباره مناری منحصر به فرد که مسیر یاب شاهراه خراسان بوده است

برج کرات تابیاد



هادی دقیق| خراسان از دیرباز جزو مناطق پررفت‌وآمد سرزمین ایران بوده است. همین موضوع هم اهمیت ادوات و امکانات مربوط به راه را در خراسان زیاد کرده است. یکی از این امکانات جاده‌ای قدیمی که حتی دیدنش از دور برای کاروانیان راه‌گم‌کرده و خسته، مایه شادی و علامت رسیدن به آبادی بوده، «منار» است. شاید امروز در میان این همه فناوری و ابزارهای مسیریاب، برای ماکمی دور از ذهن به نظر برسد اما در روزگاری که چراغ‌ها فانوسی، مسیرها خاکی و نقشه‌ها کمیاب بودند، یکی از راه‌های پیداکردن راه برای مسافران جاده‌ها همین منارها بودند.

- منار چیست؟

سازه‌ای میل مانند است که بر سر آن چراغ یا آتش روشن می‌کردند و این نور به خاطر ارتفاع بلند میل از دور هم قابل مشاهده بوده و به‌ویژه در شب، سبب می‌شده است کاروانیان و مسافران راه را گم نکنند، به همین دلیل هم به منار یا محل نور معروف شده است. این سازه به‌ویژه در دوره اسلامی، در ایران بسیار پرکاربرد بوده و خراسان هم از این حیث بسیار پربار و منارهایش هم بسیار پرکار است؛ البته نقش‌ونگار فراوان به کار رفته در منارهای خراسان، آن را به یک اثر هنری بی‌مانند تبدیل می‌کند.

یکی از این منارها که بر سر راه خواب به تابیاد قرار دارد، مناری است که نامش را از روستای کنارش گرفته است. منار، میل یا برج کرات، دی ۱۳۱۰ به‌عنوان اثری مربوط به دوره سلجوقی در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است. منار کرات روی تپه‌ای کوچک در کنار روستای کرات، بر پای کوهی در سمت بین سنگان و تابیاد قرار دارد؛ جایی که حالا به جولانگاه معدنچیان بدل شده، اما روزگاری، مهمان‌پذیر مسافرانی بوده که مبدأ یا مقصدشان هرات و جام بوده است.

- هشت‌ضلعی دراز و منحصر به فرد

این بنا که حکم راهنمای مسافران و کاروانیان را در نزدیکی آبادی قدیمی کرات داشته، بنایی است آجری که ۲۵متر ارتفاع دارد. ساختار برج کرات دوقسمتی است و نمای ظاهری آن در بخش پایینی یعنی پایه میل، با بلندی یازده متر به‌صورت هشت‌ضلعی است و بخش فوقانی آن استوانه‌ای و گرد است. در انتهای ساقه هشت‌ضلعی میل کرات بقایایی از تزیینات موسوم به «شرفه» به چشم می‌خورد که متأسفانه خیلی آسیب دیده است؛ همچنین در بخش بالایی منار کتیبه‌ای به خط کوفی در نواری عریض، دورتادور میل را فرا گرفته که آن هم از آسیب عوامل طبیعی در امان نمانده است. بخشی از تزیینات بدنه منار، گره‌چینی‌های آجری است که زیبایی خاصی به بنای میل بخشیده است.

برج کرات از وضعیت عمودی خارج شده است و قدری کج به نظر می‌رسد و همین موضوع هم آن را به برج بی‌بازی خراسان معروف کرده است. البته سابقه چنین اتفاقی در همین حوالی هم کم نیست؛ نمونه آن مسجد جامع سنگان است که مربوط به دوره خوارزمشاهی است و ایوانش در یک زلزله مهیب آسیب می‌بیند و رواق‌های اطراف آن نشست می‌کند. اما شگاف‌هایش به همان صورت پر و استحکام بخشی می‌شود و حالا به شکلی کج و دوزنقه، همچنان مصر است که اتفاقات تاریخی منطقه را یادآوری کند.

با همه این‌ها، میل کرات از نظر ساختار بسیار شبیه منار جام در شرق هرات است و از نظر تزیینات نیز مشابه منارهای خسروگرد سبزوار، فیروزآباد بردسکن، تاریخانه دامغان و منار ایاز سنگ‌بست است. در کل، میل تاریخی کرات اسلوب معماری سده پنجم قمری و دوره سلجوقی را دارد.

- هنر آجرکاری سلجوقی

تزیینات آجرکاری و آجرتراش، همراه با کتیبه، سطح هشت‌ضلعی منار را پوشانده است و بخش اصلی تزیینات مربوط به همین جاست. پس از این قسمت، بخش دایره‌ای منار است که آجرکاری رگ چین دارد و به شکلی کاملاً واضح از بخش هشت‌ضلعی جدا شده است. بخش هشت‌ضلعی برج کرات با چندنوار آجرکاری با نقوش هندسی، به بخش‌های مجزاتبدیل شده است. درون این مناره نیز یک رشته پلکان مارپیچ هست که به یک مأذنه یا بالکن دورانی با جان پناه منتهی می‌شود و از آنجا، بخش هشت‌ضلعی از قسمت دایره‌ای بنا تفکیک می‌شود.

میل کرات مناره‌ای چندمنظوره است که اواخر سده پنجم هجری ساخته شده است. اطراف منار کرات، بقایای معماری سنگی مشاهده می‌شود و به فاصله کمی از آن، بقایای آب‌انبار و کاروان‌سرای سنگی و نسبتاً بزرگ از نوع کوهستانی و سروپوشیده موجود است که گنبدخانه هشتی آن هنوز باقی مانده است. کتیبه بنا در بخش‌های بالایی قرار گرفته و بالا و پایینش با همان نوارهای آجرکاری پر شده است. متأسفانه نشانه بنی طی سال‌ها و حتی پس از زلزله‌های فراوان، با همکاری ابر و باد و مه و خورشید و فلک، آسیبی جدید به آن وارد کرده است؛ اما خوشبختانه مرمت‌های پیاپی آن که ظاهراً فقط به سده گذشته و پس از ثبت ملی شدن آن مربوط نیست، آن را سرپا نگه داشته است.

روی هم رفته، کتیبه زیبایی بنا به درستی خوانده نمی‌شود و بخش بزرگی از آن از بین رفته است؛ اما از همین بازمانده‌ها هم می‌شود به مضامین قرآنی کتیبه نظر داد که تطبیق میل با بناهای مشابه و هم‌دوره آن به چنین نظری کمک می‌کند.

زیبایی برج کرات، گردشگران زیادی را هم از خارج و داخل ایران به سمت خود کشانده است؛ یکی از آن‌ها ادوارد استوارت انگلیسی است که در دوره ناصرالدین‌شاه و هنگام حمله روس‌ها به خانات آسیای میانه، به صورت ناشناس به شمال خراسان سفر کرد. نویسنده کتاب «مأموریت سری با لباس مبدل» وقتی میل کرات را می‌بیند، از دیدن آن شگفت زده می‌شود و آن را بر برج بیزای ایتالیا مقایسه می‌کند.

میل کرات اکنون در کنار جاده ترانزیتی اصلی منطقه است؛ جاده‌ای که از یک سو به معدن‌های فراوان منطقه سنگان و از سوی دیگر به مرز و گمرک دوغارون می‌رسد و تردد ماشین سنگین‌ها از آن هم بلا‌ی جدیدی است که بر سر تاریخ تقریباً هزارساله آن خراب می‌شود.

وقتی ناصرالدین شاه مُچ عکاس باشی دربار را گرفت!

عملاً به ممتازترین مجموعه ساختمانی ایران تبدیل شد. اما این همه قلم فرسایی درباره کاخ گلستان که امروزه به «کاخ موزه» تبدیل شده و روزانه پذیرای جمع زیادی از گردشگران و علاقه‌مندان به معماری ایرانی است، از آن جهت نیست که بخواهم تاریخ این مکان را برایتان زیرورو کنم، یعنی فعلاً فرصت و قصدی برای انجام این کار ندارم. غرض از طرح این مسئله، صحبت درباره یک عکس قدیمی و ۱۳۵ ساله در مجموعه آلبوم‌های کاخ موزه گلستان است که اتفاقاً در محوطه همین کاخ برداشته شده و چند نکته جالب توجه دارد. عکس مورد نظر ما در آلبوم شماره ۱۴۸ نگهداری می‌شود و از معدود عکس‌هایی است که ناصرالدین‌شاه قاجار را کاملاً به صورت نیم‌رخ نشان می‌دهد. شاه قاجار با لتویی فخر با طرح تریج به تن دارد که احتمالاً باید به رنگ سرخ یا آبی وزردوزی شده باشد. او کنار حوض بزرگ وسط کاخ گلستان ایستاده است. تردیدی نداریم که ژست وی در این عکس، حاصل ابتکار خود اوست؛ چون ناصرالدین‌شاه در سوزه‌یابی و طراحی ژست عکاسی، تجربه و سلیقه بسیاری داشت و از طرفی، چندان هم گوشش به پیشنهادهای دیگران بدهکار نبود. درختان سیسپار، کفش‌های الگویی

«ورنی» شاه که احتمالاً تولید فرنگی است یا آن را با لوازم فرنگی ساخته‌اند، نکته دیگری است که در این عکس خودنمایی می‌کند. اما جالب‌تر از همه این‌ها، تصحیح و ایرادی است که ناصرالدین‌شاه به‌نوشته جناب حسینعلی‌خان عکاس باشی گرفته است. عکاس در پایین تصویر، به شکلی تملق‌آمیز که از اصول رایج آن عصر بوده است، می‌نویسد: «هر دو تمثال مبارک اقدس همایون اعلی حضرت شاهنشاهی روح‌العالمین فداه در فصل پاییز سنه ۱۳۰۷ اودنیل (سال گاور) گاهشمار ی (ترکی) در عمارت مبارک گلستان است.» طبق گزارش عکاس، عکس یادشده را (که یکی از دو عکس مورد نظری است) در پاییز ۱۲۶۸ خورشیدی برداشته‌اند. اما ظاهراً ناصرالدین‌شاه بعد از ملاحظه عکس، اشتباه عکاس در تاریخ‌نگاری تصویر را فهمیده، روی کلمه پاییز خط کشیده و زیر آن نوشته است: «اوآخر زمستان است پاییز نیست» و احتمالاً در دلش یک، پدروخته، و بلند بالا هم نثار حسینعلی‌خان عکاس باشی کرده است. می‌بینید! گاهی یکی دو کلمه، آن‌هم هر زیر یک عکس، می‌تواند برای خودش داستانی شود و تاریخ بسازد!



کشف تاریخ